

بررسی نیایش های

امام مجتبیٰ



مریم سلیمانی میمند
عضو هیات علمی دانشگاه
پیام نور

چکیده

یکی از راههای رسیدن به کمال، انجام عبادت و اطاعت خداوند است. از سویی عقل بشر مستقیماً نمی تواند به ماهیت تمام عبادات و چگونگی انجام آن پی ببرد؛ بنابراین ناچار است به معصومین (ع) رجوع کرده و بی کم و کاست شیوه آنان را به کار گیرد و در دعا و نیایش که نوعی عبادت است باید روش معصومین به کار گرفته شود. نیایش آن حالت روحی است که میان انسان و معبودش رابطه انس ایجاد کرده و او را در جاذبه ربوبی قرار می دهد، به تعبیری دیگر در آن هنگامی که انسان موقعیت واقعی خود را در جهان با عظمت هستی درک می کند در حال نیایش به سر می برد. نیایش های امام حسن (ع) از زمره نیایش هایی است که سرشار از معانی بلند و دریایی از معرفت است. معارفی که هیچ انسانی در زندگی خود از آن بی نیاز نیست. امام حسن مجتبی (ع) به عنوان مصداق قرآن ناطق در نیایش هایش به ۳ محور: معرفت الهی، فضایل اخلاقی، دعا و مناجات اشاره دارند. واژگان کلیدی: نیایش، امام حسن (ع)، معرفت الهی، فضایل اخلاقی، مناجات.

مقدمه

در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری اولین فرزند خانواده علی (ع) و زهرا (س) پا به عرصه وجود گذاشت و نشاط و شادی را در بیت نبوت و امامت به ارمغان آورد. اسم آن

بزرگوار حسن^(ع) است و این اسم از ناحیه پروردگار عالم به ایشان عنایت شده است . مشهورترین کنیه آن بزرگوار ابو محمد ، و مشهور ترین القاب او مجتبی و سبط اکبر است . اگر از همه قوانین موثر در تشکیل شخصیت کودک مانند وراثت بگذریم ، برداشت فرزند از گفتار و کردار پدر و مادر را نمی توانیم انکار کنیم . وقتی جدی چون رسول اکرم به قدری عبادت کند که آیه : طه . ما أنزلنا عليك القرآن لتشقى نازل گردد ، سبطی چون حسن تربیت می شود که بیشتر از بیست بار پیاده به مکه می رود . هنگامی که پدری چون امیرالمومنین^(ع) ، در دل شب در وسط میدان سجاده بیندازد و تکبیرها از او شنیده شود و از ترس و ابهت پروردگار عالم بنالد ، پسری چون حسن تربیت می شود . او مادری چون زهرا دارد که مصداق آیه مبارکه : و يطعمون الطعام على حبه مسكينا و يتيما و اسيرا می باشد . حضرت مجتبی^(ع) از نظر نسب سرآمد همه مردم بود . موقعی که امیر المومنین از دنیا رفت حضرت مجتبی^(ع) بر منبر رفت و فرمود :

ما اهل بيت «حزب الله» هستیم که غالب معرفی شده ایم : فانّ حزب الله هم الغالبون . ما عترت رسول الله هستیم که در روایت ثقلین ، رسول اکرم ما را در کنار قرآن و مبین قرآن و پشتوانه اسلام قرار داده است : «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ؛ ما یمیم عالم به تاویل و تنزیل قرآن . ما یمیم که در قرآن شریف ، معصوم و مطهر نام برده شده ایم : انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا باید از ما اطاعت کنند ، زیرا در قرآن به آن امر شده اند : أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولى الامر منکم . ما یمیم کسانی که در قرآن مودت آنان بر مردم واجب شده است : قل لأستلکم علیه اجرا إلا المودة فی القربی . ما یمیم کسانی که در قرآن مودت ما حسنه شمرده شده است : و من یقترب حسنة نزد له فیها حسنا .^۱

بررسی نیایش های امام حسن^(ع)

۱ . معرفت الهی

معصومین^(ع) در سراسر ادعیه ، هدف نهایی تربیت را خداوند معرفی می کنند ، امام حسن^(ع) نیز در شرایط زمانی خود با توجه به فشار دشمنانش در نیایش های خود با زبان

دعا و مناجات به حقیقت یکتا اشاره می کند یعنی ابتدا شروع مناجاتش با تنزیه خداوند بزرگ می باشد؛ آنجا که می فرماید:

سبحان من هو مطلع علی خوازن القلوب، سبحان من هو محصی عدد الذنوب، سبحان من لایخفی علیه خافیة فی السموات و الارض، سبحان المطلاع علی السرائر عالم الخفیات؛ پاک و منزّه است خدایی که بر اسرار قلبها آگاهست، پاک و منزّه است کسی که شمارش گناهان را می داند. پاک و منزّه است آنکه چیزی در آسمانها و زمین از دید او پنهان نیست. پاک و منزّه است آگاه بر رازها و دانای بر پنهانیهها. سبحان من لایعزب عنه مثقال ذره فی الارض و لافی السماء، سبحان من السرائر عنده علانیة و البواطن عنده ظواهر، سبحان الله و بحمده؛ پاک و منزّه است آنکه اندک چیزی در زمین و آسمان از او پنهان نمی باشد، پاک و منزّه است آنکه رازها برایش آشکار، و اسرار برایش هویدا است، پاک و منزّه است خداوند و ستایش مخصوص اوست.

در این محور به سه موضوع اشاره می شود:

الف: گریز ناپذیری از محدوده حکومت الهی

اللهم انک الخلف من جمیع خلقک، و لیس فی خلقک خلف منک، الهی من احسن فبرحمتک، و من اساء فبخطیئته، فلا الذی احسن استغنی عن رفدک و معونتک، و لا الذی اساء استبدل بک و خرج من قدرتک؛ پروردگارا تو بعد از تمامی مخلوقات باقی مانده، و هیچ موجودی بعد از تو وجود نخواهد داشت، پروردگارا کار نیک هر کس از تو منشاء گرفته، و کارهای زشت هر فرد از خطا و اشتباه خود اوست، پس نیکوکار از یاری و عنایت تو بی نیاز نیست، و آنکه کار زشت انجام داد غیر تو فرد دیگری را پیدا نکرده، و از تحت قدرت و حکومت تو خارج نشده است.

ب: شناخت ذات

الهی بک عرفتک، و بک اهتدیت الی امرک، و لو لا انت لم ادر ما انت، فیا من هو هکذا و لاهکذا غیره؛ بارالها عنایت تو را شناخته و به وسیله تو به سوی دینت هدایت شدم، و اگر یاریت نبود تو را نمی شناختم، پس ای کسی که این گونه می باشد و کسی چون او نیست. امام سجاده (ع) نیز در دعای خودشان به این مهم اشاره دارند: بک عرفتک و انت دللتنی علیک و لو لا انت لم ادر ما انت.

ج : راهنما بودن خداوند

امام اشاره می کند که خدایا ازدو طریق که محبوبترین چیزهاست به راهنمایی ام پرداختی و به بندگان منت گذاشتی : ۱ . ایمان ۲ . رسالت پیامبر (ص) و تصدیق او ؛ و همچنین در ادامه اشاره می کند و تعلیم می دهد که مبعوض ترین چیزها نزد خدا : ۱ . شرک نقطه مقابل ایمان به وحدانیت ۲ . تکذیب پیامبر (ص) است .

الهی اطعتک ، ولک المنه علی فی احب الاشیاء الیک ، الایمان بک ، والتصدیق برسولک ، ولم اعصک فی ابغض الاشیاء الیک ، الشرک بک والتکذیب برسولک ، فاغفرلی ما بینهما ، یا ارحم الراحمین ؛ خدایا بر من منت نهادی تا در محبوبترین چیزها نزد تو ؛ یعنی ایمان به تو و شهادت به رسالت پیامبرت ، فرمانبرداری تو را بنمایم و در مبعوض ترین چیزها نزد تو یعنی شرک و دوگانه پرستی و تکذیب پیامبرت ، تو را معصیت نکنم ، پس آنچه در میان این دو است را بر من ببخشی ، ای بهترین رحم کنندگان .

۲ . راه سعادت و نجات انسان

برای ساختن جامعه ای نمونه و تربیت انسانهای کامل و سالم ، اصول و روش هایی لازم است که انسان در سایه آنها بتواند به دور از هرگونه انحراف ، مسیر سعادت را بیامد . ارائه کامل ترین و سالم ترین روشهای تربیتی ، انسان را به سعادت حقیقی و زندگی و رفتار و گفتار اسوه های حقیقی دین اسلام و پیشوایان راستین رهنمون می سازد . امام در این محور به رحمت الهی متمسک می شود و در ادامه عمل به فضایل اخلاقی را تعلیم می دهد ، گرچه انسان در عمل به فضیلت های اخلاقی باید رذیلت های اخلاقی را از خود دور نماید تا به این مهم نزدیک گردد ولی عمده بحث امام در نیایشهایشان تکیه بر فضایل اخلاقی است .

الف : تمسک به رحمت الهی

امام اشاره می کند که جود و کرم و مهربانی تو است که منجر به نجات ما می شود و در ادامه به رحمت الهی اشاره می کند .

۱ . جود و کرم :

اللهم انی اتقرب الیک بجودک و کرمک ؛ پروردگارا به تو نزدیکی می جویم با جود و بخشش . اللهم فان عفوک و جودک یسعنی ، انک علی کل شیء ؛ پروردگارا

عفو و بخشش تو مرا شامل می‌شود و تو بر هر کاری قادر و توانایی .
الهی ما یکون من الکریم الا الکریم؛ پروردگارا از بخشنده و بزرگوار جز بزرگواری
انتظار نمی‌رود .

۲ . رحمت و رأفت الهی :

ولا تفرق بینی و بین العافیة ابدًا ما ابقیتنی ، و فی الآخرة إذا توفیتنی ، برحمتک یا
ارحم الراحمین ؛ به واسطه رحمتت بین من و سلامتی و عافیت هرگز جدایی
مینداز ، ای ارحم الراحمین .

ب : عمل به فضایل اخلاقی

۱ . آرامش (سکینه)

یکی از مصادیق معنوی آرامش ذکر خداوند است : **الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (رعد، ۲۸/۱۳)؛ همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد .

تمام ناآرامی‌ها و اضطراب‌ها با یاد خدا مهار می‌گردد . انسان در پرتو بندگی خداوند از قید بندگی غیر او آزاد می‌گردد و هنگامی که با وجود لایتناهی آشنا می‌شود همه چیز جز او در نظرش کوچک می‌شود و به همین دلیل هرگز بخاطر از دست دادن چیزی روح او دستخوش اضطراب و نگرانی نمی‌گردد . امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید :

یا من الیه یفر الهاربون ، و به یستانس المستوحشون ، صل علی محمد و آله واجعل
انسی بک ، فقد ضاقت عنی بلادک ، واجعل توکلی علیک ، فقد مال علی
اعداوک ؛ ای کسی که فرارکنندگان به سوی او می‌گریزند ، و کسانی که در هراسند به
او انس و الفت گرفته و دلگرم می‌شوند بر محمد و خاندانش درود فرست و دلگرمی ام
را به خودت قرار ده ، که شهرهایت برایم تنگ شده است ، و توکل و اعتمادم را بر
خودت مقدر فرما که دشمنانت بسوی من چشم دوخته‌اند .

۲ . توکل

توکل یک فضیلت مهم اخلاقی است که بدون آن نمی‌توان به کمال قرب الهی دست
یافت . همچنین یکی از منازل دین و مقامی است از مقامات اهل یقین و یکی از درجات
مقربین است . امام اسوه توکل است و می‌فرماید :

و انت اللهم المستعان ، و عليك التوكل ؛ پروردگارا تو یاری کننده بوده و توکل و اعتماد بر توست . اللهم بك اعتمصم ، و بحبلک استمسک ، و عليك اتوکل ؛ پروردگارا از تو یاری خواسته و به ریسمان محکم تو چنگ زده و بر تو توکل می نمایم . اللهم واجعل توکلی عليك ؛ پروردگارا توکل و اعتمادم را بر خودت مقدر فرما .

۳ . استغفار

استغفار مصدر باب استفعال ، از غفر است . غفر در اصل به معنی پوشاندن و پوشش می باشد : غفر الله ذنوبها ؛ یعنی خداوند گناهان را پوشش داد . ۲ استغفار یعنی آمرزش خواستن و طلب مغفرت و پوزش . ۳ در تعبیری دیگر یعنی طلب مغفرت ، به گفتار و رفتار است . امام در طلب مغفرت و برآورده شدن حاجات می فرماید :

یا عدتی عند کربتی ، یا غیائی عند شدتی و... اغفرلی خطیئتی ، و یسرلی امری و اجمع لی شملی ؛ ای توشه ام در هنگام سختی ، ای فریاد رسم در زمان گرفتاری و... خطا و لغزشم را ببخش و کارم را آسان فرما و به اجتماعمان گرمی بخش . بوت الیک ربی من ذنوبی ، و استغفرک من جرمی ؛ از گناهانم بسوی تو روی آورده و از خطایم استغفار می کنم . الهی تستر علی ذنوبی ، و تغفرها لی ؛ بارالها گناهانم را پوشانده و آنها را بیامرزد . یا کهیعض ، یا نور یا قدوس ،... اغفرلی الذنوب التي تحل بها النقم ، و اغفرلی الذنوب التي تغیر النعم ، و اغفرلی الذنوب التي تهتك العصم ، و اغفرلی الذنوب التي تنزل البلاء ، و اغفرلی الذنوب التي تعجل الفناء ؛ ای کهیعض ، ای نور ، ای پاکیزه... گناهانی که نعمت و عذاب را بر من فرودمی آورد ، و گناهانی که نعمتها را به نعمت مبدل می سازد ، و گناهانی که بلا را نازل می کند ، و گناهانی که فنا و نابودی را تسریع می گرداند را بیامرزد .

۴ . امید

امام در آن شرایط با اعتقاد عمیق خود به خداوند در پوشیده ماندن از خطراتی که او را تهدید می کند می فرماید :

اللهم یا من جعل بین البحرین حاجزا و برزخا و حجزا محجورا ، یا ذا القوه و السلطان ، یا علی المکان کیف اخاف و انت املی ، و کیف اضام و عليك متکلی ؛ پروردگارا ای آنکه بین دو دریا مانع و فاصله قرار دادی ، ای دارای نیرو و

توانمندی، ای آنکه جایگاهش برتر است چگونه در هراس باشم در حالی که تو امیدم می باشی، و چگونه مورد ستم واقع شوم در حالی که تو پناهم هستی. امام با توصیفی امیدوار پروردگارش را می خواند و بعد از او حجاتش را طلب می کند. اللهم إنيك الرب الرؤف، الملك العطوف، المتحنن المألوف، وانت غياث الحيران الملهوف ومرشد الضال المكفوف، تشهد خواطر اسرار المسرفين، كمشاهدتك اقوال الناطقين أسالك...؛ پروردگارا بدرستی که تو پروردگار رؤوف، پادشاه عطوف، مهربان و بردبار بوده و تو پناه سرگردان متحیر و راهنمای گمراه بازمانده بوده، و به اسرار و رازهای نهانی آگاهی همچنان که گفتار گویندگان را نظاره گر هستی از تو می خواهم که

۵. صبر

کلمه صبر به معنی امساک و خودداری در تنگناست. وقتی کسی می گوید: «صبرت الدابه حبستها بلا علف» یعنی چارپا را بدون علف نگه داشتیم و نیز وقتی کسی می گوید: «صبرت فلاناً» یعنی فلانی را آن چنان نگه داشتیم که نمی تواند خلاصی یابد.^۴ صبر در اصطلاح آن است که خود را به مقتضای عقل و شرع بازداری و به خود اجازه ندهی که پا را از این دو خط برون نهی.^۵ صبر و مقاومت در برابر مصائب از جمله ویژگیهای مشترک بین ائمه(ع) می باشد. امام حسن(ع) چون خطرات زیادی او را تهدید می کرد از خدای خود درخواست صبر بر مصیبت می کند آنجا که می فرماید: اللهم غظني من اعدائك بسترک، وافرغ علی من صبرک و اظهرنی علی اعدائی بامرک؛ پروردگارا پس با پوشش خود مرا از دشمنانت پوشیده دار، و صبر و بردباریت را بر من فرو ریز و با قدرتت مرا بر دشمنانم یاری گردان.

۶. توسل

توسل از ریشه وسل، به معنی رغبت و طلب گرفته شده است. توسل به معنای پیوستگی جستن به چیزی با رغبت است.^۶ به عبارت دیگر وسیله قرار دادن هر نوع عمل صالحی که موجب رضایت خداوند و مقرب می گردد. توسل یکی از عبادت‌های مهمی است که ممکن است اهمیت آنها بر بسیاری مخفی مانده باشد. تردیدی نیست که انسان برای تحصیل کمالات مورد نظر خویش اعم از مادی

گفتارهای قرآنی امام حسن(ع)

و غیر مادی به غیر خود نیازمند است و همه دست به دست هم دادند تا نیازمندیهای خود را برطرف کنند این همان توسل است که یک واقعیت در فطرت آفرینش است انسان گرسنه و تشنه با نوشیدن آب و خوردن غذا رفع نیاز می کند. باری تعالی در این عالم برای رسیدن انسان به هر مقصود وسیله ای قرار داده است که انسان بدون توسل، به مقصود نمی رسد. امام حسن (ع) با توسل بر ائمه در دفع شداثدش دعا می کند. با دقت در آیه ۶۴ سوره نساء، قرآن به نکوهش منافقان می پردازد که چرا پیامبر را واسطه قرار نمی دهید و سراغ او نمی روید:

ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما (نساء، ۶۴/۴)؛ و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند. این آیه نشان می دهد که خدا پیامبر (ص) را معرفی می کند. امام نیز با توسل بر رسول و انبیاء می فرماید:

اللهم انی اسالک بمکانک و بمعاهد عزک، و سکان سماواتک، و انبیائک و رسلک، ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسر؛ خداوندا از تو می خواهم، به جایگاهت و مکانهای عزتت و ساکنین آسمانهایت و پیامبران و رسولانت، که دعایم را اجابت کنی، چرا که در سختی قرار گرفته ام.

امام به محمد (ص) و آتش متوسل می شود و عرضه می دارد:

اللهم اتقرب الیک بمحمد عبدک و رسولک واتقرب الیک بملائکتک المقربین و انبیائک و رسلک ان تصلی علی محمد عبدک و رسولک و علی آل محمد؛ پروردگارا به تو نزدیکی می جویم با بنده و فرستاده ات محمد، که درود تو بر او و خاندانش باد و با فرشتگان و پیامبران و رسولانت تا اینکه بر محمد بنده و فرستاده ات و بر خاندان او درود فرستی: اللهم صل علی محمد و آل محمد واجعلنی بک اصول و بک اجول؛ پروردگارا بر محمد و خاندانش درود و مرا آن گونه قرارده که به سوی تو توجه کرده و با یاریت تلاش کنم. اللهم أسالک بمغیبات علمک فی بواطن سرائر المسرین الیک ان تصلی علی محمد و اله؛ پروردگارا از تو می خواهم به علمهای نهانی ات از رازهای باطن، که بر محمد و خاندانش درود فرستی. اللهم انی أسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من عسری یسرا؛ خدایا از تو

می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و امر مشکلم را آسان فرمایی .

۳ . دعا

امام علاوه بر آداب دعا یعنی حمد و ستایش ، صلوات ، تواضع ، توبه ، و اقرار به گناهان ، از خداوند اهم درخواست‌هایش را طلب می‌کند .

۱ . روزی و وسعت : امام رزق‌هایی بالاتر از رزق های مادی یعنی اخلاص در عمل درخواست می‌کند . الهی وارزقنی الاخلاص فی عملی و السعة فی رزقی ؛ بارالها اخلاص در عمل و وسعت در روزی را روزیم قرارده .

۲ . طلب آموزش : امام پس از زمینه‌سازی و به نام‌های متعددی متوسل می‌شود و باتواضع کامل می‌فرماید :

خطا و لغزشم را بیامرز : یا عدتی عند کربتی ، یا غیاثی عند شدتی و... اغفرلی خطیئتی ، ویسرلی امری واجمع لی شملی ؛ ای توشه‌ام در هنگام سختی ، ای فریاد رسم در زمان گرفتاری و... خطا و لغزشم را ببخش و کارم را آسان فرما و به اجتماعمان گرمی بخش .
بوت الیک ربی من ذنوبی ، و استغفرک من جرمی ؛ از گناهانم به سوی تو روی آورده و از خطایم استغفار می‌کنم .

۳ . لقای الهی : امام لقای الهی را بهترین لحظات عمرش معرفی می‌کند :

اللهم اجعل خیر عمری اخره و خیر عملی خواتمه و خیر ایامی یوم القاک ؛ پروردگارا بهترین ساعات عمرم را آخرین ساعات زندگیم قرار ده و بهترین اعمالم را آخرین کارهایم مقدر فرما و بهترین لحظاتم را زمانی قرار ده ، که تو را ملاقات می‌کنم .

۴ . سلامتی و شفای بیماران : اللهم عافنی فیمن عافیت ؛ پروردگارا مرا سلامت دار به همراه کسانی که به آنها سلامتی عطا فرمودی .

اللهم انی أسالک الشفاء من کل داء ؛ پروردگارا از تو شفاء هر بیماری را می‌خواهم .

۵ . هدایت : اللهم اهدنی فیمن هدیت ؛ پروردگارا مرا در زمره کسانی قرار ده که ایشان را هدایت کرده‌ای .

۶ . نابودی و عذاب دشمنان : رهبری امام حسن (ع) در شرایطی آغاز شد که معاویه با تسلط چندین ساله خود بر منطقه شام ، همه حق‌گریزان و آنانی که شکمها از حرام پر کرده و اموال بیت المال را به یغما برده و از عدالت فرار کرده بودند ، حاکم بر مردم بودند . امام

حسن از یک طرف، با دشمنی این گونه روبه رو بود و از سوی دیگر، یارانی داشت که هیچ
 امیدی به یاری آنان نداشت. از این رو از درگاه الهی برای نجات از آنان دعا می کرد: ^۷
 اللهم فغطني من اعدائك؛ پس با پوشش خود مرا از دشمنان پوشیده دار.
 اللهم فانزل عليهم رجزك و باسك و عذابك، الذي لا يرد عن القوم الظالمين؛
 خدایا پس عذاب و سخط و عقابت که شامل ستمکاران می گردد را بر آنان فروریز.
 ۷. آسانی مشکلات: اللهم أن تجعل لي من عسري يسرا؛ پروردگارا در سختی ها
 برایم گشایش قرار ده.

۸. دفع شرور: امام با توجه به شرور و فتنه هایی که در اطرافش وجود دارد بیشترین
 تاکید نیایشهایش در دفع آنها می باشد. گاهی اوقات شرّ در قالب حسد به صورت چشم
 زخم ظاهر می شود آنجا که امام در مقام تعلیم به بندگان آیه ۵۲-۵۳ سوره قلم را در دفع
 چشم زخم قرائت می فرماید:

وان يكاد الذين كفروا ليزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذكر و يقولون إنه لمجنون. و ما
 هو إلا ذكر للعالمين. (قلم، ۶۸/۵۱-۵۲)
 امام برعلیه دشمنش معاویه می فرماید:

اللهم أسالك كما امسكت عن دانيال افواه الاسد و... واكفني كيدهم بحول منك
 و قوه و كن لي جارا منهم و من كل جبار عنيد و من كل شيطان مرید لا يومن بيوم
 الحساب؛ خداوندا از تو می خواهم همان گونه که دانیال را از درون چاه از گزند
 شیران نجات دادی... مرا با نیرو و توانمندی خودت از مکرآنان در امان دار و از
 آنان و از هر ستمگر کینه توز و هر شیطان رانده شده ای که به روز قیامت ایمان
 ندارد، در امان دار.

امام برعلیه ابن زیاد نفرین می کند و می فرماید:

اللهم خذلنا و لشيعتنا من زياد بن ابيه و ارنافيه نكالا عاجلا انك على كل شيء قدير؛
 پروردگارا انتقام من و شیعیانم را از ابن زیاد بگیر و مجازات سریعی رادر مورد او به
 عمل آور و به مانشان ده، بدرستی که تو بر هر کاری توانایی.

امام بر علیه مردی از بنی امیه که فحش و ناسزای بسیاری بر حضرت و پدرش داد فرمود:
 اللهم غير ما به من النعمه؛ پروردگارا نعمتی را که به او داده ای به عذاب مبدل کن.

امام در پاسخ به شخصی که از شر همسایه اش شکایت کرد، فرمود:
 یا شدید المحال یا عزیز، اذلت بعزتک جمیع ما خلقت اکفنی شر فلان بما شئت؛
 ای آنکه کید و مکرش قوی است، ای پایدار، با قدرت تمامی مخلوقات را در
 اختیار خود قرار داده ای شر فلان فرد را با هر چه خواهی بگیری.
 امام در دفع تمام شرور و مشکلات به خدا پناه می برد و به بندگان نیز یادآوری
 می کند که انسان در مقابل دشمنان و حسودان باید به خدا روی آورد:
 اللهم إني اعوذبك من قلب يعرف و لسان يصف و اعمال تخالف؛ پروردگارا از
 قلبی که می شناسد و زبانی که توصیف می کند و اعمالی که مخالفت کرده
 می شود؛ به تو پناه می برم.

۹. طلب صبر: اللهم غطني من اعدائك بسترک، وافرغ علی من صبرک و اظهرنی
 علی اعدائی بامرک؛ پروردگارا پس با پوشش خود مرا از دشمنانت پوشیده دار، و صبر و
 بردباریت را بر من فرو ریز و با قدرتت مرا بر دشمنانم یاری گردان.

۱۰. رضایت الهی: یکی از مهمترین انتظاراتی که تمام انبیاء از بندگان خدا داشته اند
 رضایت الهی و خدامحوری می باشد. عالی ترین و بزرگترین پاداشی که امام درخواست
 می کند، رضایت الهی است. رضایت الهی که حاصل شد خواست خدا عین خواست او
 می گردد، به تعبیر دیگر یعنی راضیه مرضیه می شود:

اللهم و ما وصفتك من صفة او دعوتک من دعاء یوافق ذلک محبتک و رضوانک
 و مرضاتک، فاحینی علی ذلک و امتنی علیه؛ خداوند هر صفتی که با آن تو را
 ستودم و هر دعایی که تو را بدان خواندم و رضایت و خشنودی تو را در بر داشت
 مرا بر آن زنده بدار و بمیران.

اللهم إني أسالك النصر علی الاعداء و التوفیق لما تحب و ترضی؛ پروردگارا یاری بر
 دشمنان و توفیق بر آنچه خشنودی تو در آنست را از تو می خواهم.

۵. دشتی، ۶/۶۴۴.

۶. مفردات / ۵۶۰

۷. مویدی / ۱۳

۱. زندگانی چهارده معصوم / ۷۳ و ۷۴.

۲. ابن منظور، لسان العرب، ۵/۲۵.

۳. دشتی، ۲/۱۵۳.

۴. راغب اصفهانی، مفردات / ۴.